



حج ابراهیمی و فضاسازی تربیتی واجتماعی از منظر قرآن کریم

مسعود عباسی جامد

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

﴿مقدمه﴾

حج، میعادگاه عابدان و عاشقان الهی از آدم (علیه السلام) تا ابراهیم (علیه السلام) و از ابراهیم تا پیامبر خاتم (ص) و محل دیدار با جانان و محبوب بلندادگان است و کعبه اولین مرکز جهانی برای عبادت، مایه ی برکت و هدایت برای همه جهانیان، (۱) مرجع همه مردم، جایگاه امن و امان و آرامش (۲) و عامل قیام همگانی و مردمی برای تحقق اهداف بلند پیامبران الهی است. و حضرت ابراهیم (علیه السلام) در تکمیل فضاسازی تربیتی واجتماعی آدم و نوح (علیهم السلام) به بازسازی و تجدید بنای کعبه اقدام نمود. و از خداوند خواست تا آنها و فرزندانشان را مسلمان واقعی گرداند و مناسک و راه و رسم حج و سایر عبادات را به آنان نشان دهد و



تویه و بازگشت آنها را بپذیرد و اینچنین شد. در این مقاله اگر چه به ذکر مناسک و راه و رسم حج ابراهیمی (علیه السلام) پرداخته ایم، اما بیشتر چگونگی فضا سازی تربیتی و اجتماعی بنای کعبه و مناسک حج را ذکر نموده و آثار و برکات آن از جمله مجد و عظمت و شکوه جهان اسلام و مسلمانان را به رشته تحریر آورده ایم. امید است مورد توجه خوانندگان محترم قرار گیرد.

﴿بنای کعبه﴾:

قرآن کریم چگونگی بازسازی و تجدید بنای کعبه به دستان مبارک حضرت ابراهیم (علیه السلام) و حضرت اسماعیل (علیه السلام) را اینچنین مطرح ساخته است.

إذ يرفعُ إبراهيمُ القواعدَ من البيتِ و اسماعيلُ (۳)

و آنگاه که خانه بنا گردید، دستور آمد:

(و عَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ و إسمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ و الْعَاكِفِينَ و الرُّكُعِ السُّجُودِ) (۴)

و ابراهیم و اسماعیل با اخلاص تمام، خانه خدا را احیاء نمودند و کار خدایی آنها، جاودانه شد.

(هَبِیْئَةَ اللّٰهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللّٰهِ صَبِغَةً و نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ) (۵)

﴿قربانگاه و قربانی تفسیر اخلاص و ایثار﴾:

قرآن کریم، از دو زاویه، مفهوم «قربانی» را مورد توجه قرار داده: یکی، انجام قربانی در حج و دیگر عمل حضرت ابراهیم (علیه السلام) در ذبح

۱- سوره آل عمران - آیه ۹۶.

۲- سوره بقره - آیه ۱۲۵.

۳- سوره بقره - آیه ۱۲۷.

۴- سوره بقره - آیه ۱۲۵.

۵- سوره بقره - آیه ۱۲۸.



فرزند است. آنچه از آیات قرآن برمی آید، فضا سازی تربیتی و اجتماعی است که این موضوع در پی بنای کعبه به دنبال دارد. خداوند در قرآن کریم مؤمنان را به پاس داشتن برنامه های خدا و بزرگداشت و حفظ شعائر الهی از سر اخلاص و تقوا با روحیه تسلیم در برابر خدا با قطع علایق از همه چیز، دعوت می کند. آیات سوره حج از ۳۰ تا ۳۷، حکایت گر این موضوع است. چگونگی این فضا سازی معنوی و تربیتی و اجتماعی را همگام با آیات قرآن کریم، مرور می کنیم.

فَلَمَّا اسْلَمَا وَ تَلَّهٖ لِلْجَبِينِ ... وَ فَدِينَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ ... سَلَامٌ عَلٰی اِبْرَاهِيمَ ... اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِيْنَ .

حضرت ابراهیم (علیه السلام) به هنگام مهاجرت از سرزمین شرک و بت پرستان به سوی خدا و سرزمین های مقدسی که خانه خدا در آنها قرار داشت، از خداوند خواست که به او فرزند صالح و شایسته ای عطا فرماید تا راه طولانی او را در این مهاجرت ادامه دهد؛ رَبِّ هَبْ لِيْ مِنَ الصَّالِحِيْنَ . (۶)

خداوند او را به نوجوانی حلیم و بردبار بشارت داد: فَبَشِّرْنَاهُ بِقَلَامٍ حَلِيْمٍ . (۷)

این نوجوان همان اسماعیل بود که خداوند در دیگر آیات، وی را از صالحین، صابرين و صدیق خوانده است. (۸)

وقتی اسماعیل به سن بلوغ و جوانی می رسید، و عصای دست پدر می شود و معاون وی در امور زندگی و با پدر به سعی و عبادت می پردازد، خداوند در خواب به حضرت ابراهیم (علیه السلام) فرمان می دهد که فرزندش را در راه خدا، قربانی کند. این خواب برای دومین و سومین بار تکرار می شود.

گفته می شود ابتدا در شب ترویه (شب ۸ ذی الحجه) این خواب را دید و سپس در شب عرفه و شب عید قربان این خواب تکرار شد (۹) و چون یکی از راههای ارسال پیام الهی به پیامبران از طریق خواب بود، تکرار خواب، جای تردید باقی نگذاشت که این فرمان، دستور خداست.



حضرت ابراهیم به بهترین وجه، جریان خواب را با فرزندش در میان می‌گذارد:

— فرزندم! در خواب می‌بینیم که تو را ذبح می‌کنم؛ بنگر چه می‌بینی؟ اسماعیل که همگام با پدر در راه خدا سعی و ایثار و صبر و تسلیم داشت، اظهار نمود: ای پدر! هر چه زودتر مأموریتت را اجرا کن ان شاء الله مرا از صابران خواهی یافت. و آنگاه هر دو به سوی کوه (تَبَّیر) در شمال مکه رهسپار شدند، تا به تلّ یعنی ارتفاع مُشرف به مسجد منی رسیدند. (۱۰) پدر پیشانی فرزندش را بر صخره‌ها نهاد تا چشمش به چشم فرزندش نیفتد و عواطف شدید پدری مانع اجرای فرمان الهی نگردد. (فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ) و بالاخره پدر، کارد را بیرون آورد و تیز کرد و بر گلوی فرزندش گذاشت و آن را به حرکت درآورد و فشار داد؛ اما هر چه کرد، تیغ نبرید و چون آن پدر و پسر فرمان خدا را گردن نهادند و ابراهیم (علیه السلام) فرزند را تسلیم کرد و اسماعیل جان را تقدیم داشت، خداوند ابراهیم (علیه السلام) را ندا در داد: (یا ابراهیم قَدْ صَدَقْتَ الرَّؤْيَا، اِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ) (صافات: ۱۰۵).

« ابراهیم! به درستی که راست کردی خوابی که دیده بودی، و ما این چنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.»

البته این آزمایش مهم و آشکاری بود که این دو دوست الهی به بهترین وجه از عهده آن برآمدند و چقدر گران است برای پدری که یک عمر از داشتن فرزند محروم بوده و از خدا فرزندی صالح خواسته و اکنون که پس از عمری انتظار، صاحب فرزندی صالح شده و این فرزند به سن جوانی و شکوفایی رسیده و یار و یاور عصای دست پدر در این سنین پیری شده، اکنون در راه دوست این چنین او را قربانی کند. همچنین چقدر مهم است برای جوانی که بر روی آن همه هوی و هوس و آمال و آرزو پا بگذارد و حاضر شود با پای خود به قربانگاه برود و جان خود را تسلیم خدا کند.

﴿ تکرار آزمون ابراهیم و اسماعیل در بنی اسرائیل و بنی اسماعیل: خداوند، همین امتحانی را که از ابراهیم و اسماعیل به عمل آورد، در مورد دو ذریه‌ی آنها یعنی بنی اسرائیل و بنی اسماعیل نیز تکرار کرد. وقتی حضرت موسی (ع) بنی اسرائیل را از مصر به سرزمین موعود مهاجرت

۶-سوره صافات - ۱۰۰.

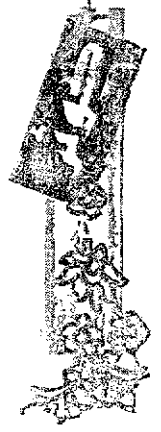
۷-سوره صافات - ۱۰۱.

۸- انبیاء - ۸۵ و ۸۶.

۹- برسویی، تفسیر روح البیان، ج ۷،

ص ۴۷۲.

۱۰- همان، ص ۴۷۴.

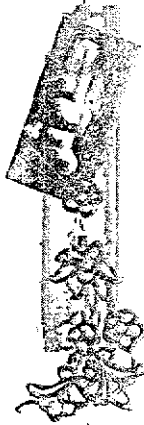


داد، آنها را در دروازه‌ی سرزمین موعود در بوقه‌ی امتحان قرار داد و آن‌ها خواست که به جهاد با طاغوتیان آن سرزمین برخیزند و با یاری خداوند آن سرزمین را که به حضرت ابراهیم وعده داده بود، به دست آورند. اما آنها که به وعده‌ی خدا ایمان نداشتند و جان خود را بیشتر از خدا دوست می‌داشتند، از رفتن به جنگ امتناع ورزیدند و به موسی گفتند: ... (إِنهٓبَ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هُنَا قَاعِدُونَ) «تو و پروردگارت به راه افتید و با آنان نبرد کنید؛ ما همین جا نشسته ایم». (مائده: ۲۴) و چون خداوند، چهل سال آنها را از سرزمین موعود و ورود بدان محروم ساخت، (۱۱) بنا به نقل تورات: «بامدادان به سرکوه رفتند و گفتند: اینک ما حاضریم که به جنگ برویم و جان خود را در راه خدا قربانی کنیم؛ اما دیگر خداوند از آنان نپذیرفت»، موسی گفت: «بروید که خدا در میان شما نیست و شکست خواهید خورد.»

خداوند همین آزمون را در حدیبیه؛ نزدیک سرزمین مکه از بنی اسماعیل یعنی مسلمانان نیز به عمل آورد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) همچون حضرت ابراهیم (علیه السلام) به دنبال خوابی که می‌بیند همراه با ۱۴۰۰ تن از افراد با ایمان و از خود گذشته، به سوی مکه حرکت می‌کنند و چون به حدیبیه در نزدیکی مکه می‌رسند، آن افراد از صمیم قلب با پیامبر بیعت می‌کنند و با خدا پیمان می‌بندند که جان خود را در راه خدا تسلیم کنند و به پیامبر می‌گویند: «ما برخلاف بنی اسرائیل می‌گوییم، ای پیامبر! تو و پروردگارت بروید و با اهالی مشرک مکه بجنگید و ما هم تا آخرین نفس با شما خواهیم بود.»

و خداوند در برابر این قربانی و ایثار صادقانه هم سکینه و آرامش خرد را بر آنان می‌فرستد و هم پیروزی قریب الوقوع و فتح این مکه و سرزمین‌هایی که خداوند به ذریه صالح حضرت ابراهیم (علیه السلام) وعده داده بود، نصیب آنان می‌سازد.

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْحَسْبُ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ



أَيْنِينَ مُخَلِّقِينَ رُؤْسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ
مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا.

«خداوند رؤیای پیامبر خود را تحقق بخشید که اگر بخواهد حتماً به
ایمنی به مسجد الحرام درخواهید آمد؛ در آن حال که سر تراشیده و مو
سترده اید و هراسی ندارید، خدا چیزی دانست که شما نمی دانستید و
پیش از این فتوحی نزدیک (برایتان) مُقَدَّر کرد.» (فتح: ۲۷)

رمی شیطان:

در آن هنگام که حضرت ابراهیم (علیه السلام) به فرمان خداوند، فرزندش
را می برد تا بر فراز تل منی قربانی کند، شیطان به تلاش افتاد تا در این
آزمون بزرگ الهی جلوی موفقیت و پیروزی خاندان ابراهیم را بگیرد.
ابتدا به سراغ مادر اسماعیل می رود تا بوسیله احساسات مادری پدر و
پسر را از اجرای فرمان الهی باز دارد:

— آیا خبر داری که ابراهیم، اسماعیل را می برد تا او را بکشد؟!
— دور شو ای شیطان! که ابراهیم مهربان تر از آن است که فرزند صالح
خود را بکشد.

— او اذعا می کند که دستور خداست

— اگر فرمان خدا باشد، راضی و تسلیم فرمان خدا هستیم.

شیطان وقتی از سوی هاجر رانده شد، به سوی فرزند آمد تا با زردناک
جلوه دادن مرگ او را از نیمه راه بازگرداند. ولی اسماعیل با ایمان محکمی
که داشت او را سخت از خود براند که این مرگ چون فرمان خداست،
شهادتی شیرین و گوارا خواهد بود.

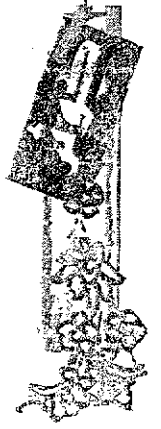
و چون شیطان از مادر و پسر رانده شد، به سوی پدر آمد تا با القای
شک و شبهه او را از ادامه ی راه باز دارد:

شنیده ام که شیطان تو را در خواب واداشته تا دست به گناه بزرگی زده،
مرتکب قتل فرزند شوی.

ابراهیم (علیه السلام) بدانست که او شیطان و سوسه گر است، فریاد بر
آورد:

— دور شو ای دشمن خدا!

گفته می شود، ابراهیم بر سر راه خود به قربانگاه، در سه محل شیطان
بر وی ظاهر شد؛ یکی به محل جمره اولی و دیگری به محل جمره



وسطی و سومی به محل جمره عقبه، و ابراهیم در هر سه نقطه با پرتاب هفت سنگ او را از خود براند (۱۳) و از آن زمان، این رسم از جمله مناسک و اعمال واجب حج می باشد و مستحب است به هنگام پرتاب سنگ به جمرات، گفته می شود: **اللَّهُمَّ انْحَرِ عَنِّي الشَّيْطَانَ «خداوندا! شیطان را از من بران» (۱۴)**

﴿نخستین تمنّا و آرزوی ابراهیم (علیه السلام) در منی:

در وجه تسمیه سرزمین منی به منی (آرزو و تمنّا) آمده است: وقتی حضرت ابراهیم (علیه السلام) از امتحان الهی برآمد و بر شیطان غلبه یافت و به تلّ و قلّه ی مرتفع اسلام یعنی به مرحله تسلیم کامل در برابر حق رسید، بنا به روایات، جبرئیل به ارگفت: اکنون هر چه می خواهی از پروردگارت بخواه. ابراهیم نخست از خدا تمنّا کرد که دستور دهد به عنوان فدایی، فرزندش اسماعیل، قوچی را ذبح کند.

این آرزو و تمنّای ابراهیم برآورده شد. (۱۵) ناگهان قوچی توسط جبرئیل فرستاده شد، جبرئیل گفت: خداوند، سلام می رساند (سلام علی ابراهیم) (صافات: ۱۰۹) و می فرماید: این قربانی را قبول کردم و این قوچ را برای فدیة فرستادم.

و خداوند با دادن خیر و برکت به نسل گوسفندان و چهارپایان و دستور قربانی در روز عید قربان را می دهد و در سال ذبح عظیمی در منی به جای ذبح اسماعیل انجام می گیرد: **(وَدَدَيْنَا ذَبْحِ عَظِيمٍ) (صافات: ۱۰۷)**

تکبیرات: در روایات است که چون حضرت ابراهیم (علیه السلام) قوچ را به فدای اسماعیل ذبح کرد، جبرئیل تکبیر گفت: **الله اکبر، الله اکبر ...** اسماعیل فریاد برآورد: **لا اله الا الله و الله اکبر!** و حضرت ابراهیم نیز با صدای بلند گفت: **الله اکبر و لله الحمد و این همان تکبیرهایی است که همه سانه مسلمانان در روز عید قربان یا هم می خوانند. (۱۶)**

﴿درسی از قربانی ابراهیم (علیه السلام):

- ۱۲ - سیره ابن هشام - ج ۲، صص ۴۷۰-۴۷۷.
- ۱۳ - فیض کاشانی، محجّه البیضاء - ج ۲ - ص ۲۰۴.
- ۱۴ - عبدالکریم بی آزار شیرازی، مناسک حج امام خمینی.
- ۱۵ - شیخ صدوق، علل الشرایع، ص ۴۲۵-۴۲۶.



همان طور که می دانید، بشر در طول تاریخ در اثر دور شدن از اسلام و فرمان خدا و روی آوردن به شیطان و طاغوتها، اسیر خدایان گوناگون شده و این خدایان همواره بنی آدم را به بند اسارت و بردگی کشیده است و چه بسیار انسانها که در راه بتها، خورشید و ماه و ستارگان و هوی و هوسها و بنای کاخهای ستمگران قربانی می شدند؛ و کذلک زَيْنَ لَكثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَاءَهُمْ لِيُرِدُوهُمْ وَ لِيَلْبَسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ...» (و این چنین طاغوتیان برای بسیاری از مشرکان قتل و قربانی فرزندانشان را نیک جلوه داده بودند و در نتیجه فرزندان و آیین شان را به نابودی و انحراف کشاندند و اگر خدا می خواست، مرتکب آن نمی شدند، بنابراین آنان را با افتراء و دروغشان بر خدا به خودشان واگذاشت...» (انعام ۱۳۷)

۱۶- ابوالفتوح رازی، روض الجنان، ج ۹،

ص ۳۲۶.

۱۷- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص

۱۳۰، به نقل از دعای سمات منسوب به

امام باقر و امام صادق (علیه السلام).

۱۸- ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص

۹۳۰.

حضرت ابراهیم با اعلام توحید، بندهای اسارت را گسست و فرزندان آدم را از هر نوع بردگی و قربانی شدن نجات داد.

تازه جان اندر تن آدم دمید بنده را باز از خداوندان خرید

داستان ذبح اسماعیل به ما می آموزد که در دین توحید، انسان از قربانی شدن در پیشگاه خداوند معاف است. و بشر با درآمدن به دین توحید و اسلام و تسلیم در برابر فرمان خدا، استقلال و آزادی خود را در برابر، استعمارگران، ستمکاران، بتها و خرافات مدرن، باز می یابد و دیگر به قربانگاه طاغوتهای زمان نخواهد رفت.

﴿تَجَلَّىٰ خُودًا لِّإِبْرَاهِيمَ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ﴾

وَ بِمَجْدِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ... لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَخَلِيكَ مِنْ قَبْلُ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ....

«و به آن نور مجد و عظمت که برای دوستت ابراهیم (علیه السلام) در

مسجد خیف تجلی کردی...» (۱۷)

خیف از نظر لغت به ارتفاعات مشرف بر سیل اطلاق می شود و این مسجد از آن جهت خیف نامیده شده که در ارتفاعات کوه منی قرار گرفته است. (۱۸)

بنا به دعای سمات: منقول از امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) در ارتفاعات کوه منی، خداوند بر حضرت ابراهیم تجلی کرده است. و همانطور که بعضی از مفسرین در تفسیر آیه فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّه

۳۵۳



لِلجَبِين (صافات، ۱۰۳) ذکر کرده اند، حضرت ابراهیم به هنگام قربانی، پیشانی فرزندش را بر تلّ و ارتفاعات کوه منی مشرف بر مسجد منی گذاشت (۱۹) و این مسجد را به مناسبت ارتفاعات منی مسجد خیف می نامند. برفراز همین ارتفاعات و شاید در همین مسجد خیف بود که بنا به روایات جبرئیل به ابراهیم گفت: اکنون هر چه می خواهی از خدا تمناً کن. (۲۰)

از امام باقر (علیه السلام) است که ۷۰۰ پیامبر در این مسجد نماز گزارند و ما بین رکن و مقام، قبر بسیاری از پیامبران است و در همین مسجد بود که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) خطبه ایراد کردند. (۲۱)

عیدی و عطایای الهی به ابراهیم:

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

ما این چنین نیکوکاران را پاداش می دهیم. (صافات: ۱۰۵)

ابراهیم و اسماعیل در برابر آن همه ایمان و ایثار، رضا و تسلیم، صداقت و راستی در راه دوستی با خدا عیدی و پاداش های عظمی از خداوند دریافت می دارند. پاداشی به عظمت جهان، و به وسعت طول زمان همراه با سلام و درود خدا.

۱- بازداشتن تیغ از بریدن گلوی اسماعیل و حیات دوباره وی: قَدَصَدَّقْتَ الرَّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ.

۲- فرستادن ذبح عظیم فدای اسماعیل: وَ قَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ.

۳- جاودانه ساختن نام و سنت ابراهیم در اُمت های آینده: وَ تَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ.

۴- ارسال سلام و درود بر ابراهیم و خاندانش: سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ؛ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ.

۵- بشارت به فرزندی دیگر بنام اسحاق، فرزندی صالح از تبار پیامبران: وَ بَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ

۶- اعطای برکت و فزونی به دودمان او و اسحاق: وَ بَارَكْنَا عَلَيْهِ وَ عَلَىٰ إِسْحَاقَ....



۷- اعطانی مقام امامت و وراثت زمین به وی و ذریه صالحش: قَالَ اِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا

﴿عهد امامت با آل ابراهیم (علیه السلام):﴾

وَ اِذَا بَلَغَ اِبْرَاهِيْمُ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ اِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا قَالِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِيْنَ .

«و آنگاه که ابراهیم را پروردگارش با کلماتی چند آدرمال، جان و فرزند و... مورد آزمایش قرار داد و او بخوبی از عهده آزمایش برآمد و آن را به پایان رساند، و خداوند به او فرمود: من تو را امام، و پیشوای مردم قرار دادم. ابراهیم گفت: از دودمان من انیز امامانی برخوایی گزید! خداوند فرمود: آری، اگر صالح و نیکوکار باشند که! عهد من به ستمکاران نخواهد رسید.» (بقره: ۱۲۴)

یکی دیگر از عطایای بزرگ الهی به دوست خود، حضرت ابراهیم، به هنگامی که از عهده امتحان برآمد؛ عهد امامت و پیشوایی مردم و خلافت و وراثت سرزمینهایی است که به آنها مهاجرت کرده بود. از جمله سرزمین بهشت گونه کنعان؛ شامل شام، لبنان، فلسطین و نهر اردن. ابراهیم از خداوند پرسید: «آیا این امامت و خلافت شامل ذریه من نیز خواهد بود؟» خداوند فرمود: «عهد من به ستمکاران نخواهد رسید»

در آیات بعد، ظالمین به کسانی تعبیر شده اند که نسبت به احکام و حدود الهی تجاوز و نافرمانی می کنند: «وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللّٰهِ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظَّالِمُوْنَ» (۲۴) و در نتیجه به خود ستم می ورزند، «وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللّٰهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ» (۲۵)

در قسمتی از سوره ی صافات می خوانیم که از میان ذریه ابراهیم (علیه السلام) و ذریه اسحاق، بعضی صالح و نیکوکار و بعضی ظالم به خویشان می باشند: وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُّحْسِنٌ وَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُّبِينٌ. (۲۶) بدیهی است که ظلم پیشگان از ذریه حضرت ابراهیم از نعمت امامت و پیشوایی زمین محروم بوده اند و به عهد الهی نخواهند رسید، در تورات، سفر پیدایش ۱۷، درباره ی این عهد و پیمان الهی با ابراهیم چنین آمده است: «و چون ابراهیم ۹۹ ساله بود، خداوند بر وی تجلی کرد و گفت: من هستم خدای قادر مطلق، اینک عهد خود را با تو می بندم، تو را

- ۱۹- برسویی، تفسیر روح البیان، ج ۷ ص ۴۷۴.
- ۲۰- تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۲۰.
- ۲۱- سفینه البصر، ج ۱، ص ۲۲، ۲۳۶- صافات - ۱۰۳ تا ۱۰۵.
- ۲۲- بقره - ۱۲۴.
- ۲۴- بقره - ۱۲۹.
- ۲۵- طلاق - ۱.
- ۲۶- صافات - ۱۱۳.



بسیار بارور نمایم و امتها از تو پدید آورم و امامان و پیشوایان از تو به وجود آیند. و عهد خویش را در میان خود و ذریه ات بعد از تو استوار گردانم که نسل بعد نسل عهد جاودانی باشد تا تو را و بعد از تو ذریه ات را خدا باشم... و تمام زمین کنعان را به تو و بعد از تو به ذریه ات به ملکیت ابدی دهم و خدای ایشان خواهم بود.»

آنگاه مراسم ختنه فرزندان پسر را در هشتمین روز تولد، یادآور این عهد و پیمان ابدی قرار داد و فرمود: «این است عهد من که نگاه خواهید داشت میان من و شما و ذریه ات.»

پس هر پسر، هشت روزه ختنه شود تا نشان عهدی باشد که میان من و شماست.

سال آینده همسرت ساره برایت پسری خواهد زایید؛ تامش را اسحاق بگذار، که عهد خود را با وی استوار خواهم داشت. و اما اسماعیل، اینک او را برکت داده و بارور و کثیر گردانم که دوازده پیشوا از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی به وجود آورم.»

در همان روز ابراهیم و پسرش اسماعیل و همه مردان خانه اش بنا به فرمان خدا ختنه شدند.

در فقه اسلامی نیز ختنه مردان شرط طواف به دور خانه ی خداست. (۲۷)

﴿ذریه ی حضرت ابراهیم (علیه السلام)﴾

— فرزندان حضرت ابراهیم سه دسته بودند:

- ۱— اقوام دوازده گانه از نسل اسحاق و یعقوب بنام بنی اسرائیل.
- ۲— اقوام دوازده گانه از نسل اسماعیل جد اعراب و خاندان محمد (ص) بنام بنی اسماعیل.
- ۳— اقوام شش گانه اعراب از همسر سوم حضرت ابراهیم بنام قطوره. در سوره مائده می خوانیم که حضرت موسی (علیه السلام) به دنبال عهد و پیمان الهی با حضرت ابراهیم، بنی اسرائیل را از مصر به سوی سرزمین موعود می برد، و به آنها فرمان می دهد تا با ساکنان جبّار و طاغوتی آن سرزمین بجنگند و با نصرت الهی مالک آن سرزمین مقدس

شوند: «يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ...» (مائده: ۲۱)

ولی بنی اسرائیل که ملتِ سست ایمان و بُزدل بودند، به موسی (علیه السلام) می گویند: «تو و پروردگارت بروید و بجنگید، ما همین جا نشستیم.»

خداوند در اثر این ظلم و تظلفشان از جنگ، چهل سال آنان را از سرزمین موعود محروم می سازد و در بیابان، سرگردان نگاه می دارد تا اینکه نسل بعد با رهبری طالوت و رشادت داوود علیه جالوت و جباران آن سرزمین می جنگند و وارث سرزمین موعود می شوند، و برای قرنهای متمادی، کلید خلافت و اقتدار زمین را در دست می گیرند و ملت برگزیده ی جهان آن روز می گردند. ولی در اثر دور شدن از مفاهیم حقیقت دین الهی و نقض پیمانهای مکرر، و استکبار و خود برتر بینی قوم و نژادی و کشتار پیامبران، تبدیل به ذریه ظالم ابراهیم می شوند و در برابر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) نه تنها به عهد خود با خدا عمل نمی کنند و به او ایمان نمی آورند، بلکه در برابر او دست به انواع حيله ها و نفاقها می زنند، و قرآن در سوره ی مائده پرده از چهره ظالمانه ی آنها بر می دارد و رسماً آنان را از ولایت و امامت خلع می کند و مسلمانان را که ذریه ی صالح حضرت ابراهیم (علیه السلام) هستند و ارث امامت و وراثت زمین قرار می دهد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در بازگشت از حجة الوداع برای تحویل وراثت و خلافت سرزمین موعود که خداوند به ذریه ی صالح حضرت ابراهیم وعده داده بود (وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (انبیاء: ۱۰۵) فرمان داد تا سپاهی بزرگ برای اعزام به شام و فلسطین تشکیل شود. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) اسامة بن زید (۲۸) را که جوانی ۲۰ ساله بود، به فرماندهی این سپاه منصوب گرداند، و مهاجران از جمله ابوبکر و عمر را به همراهی با این سپاه مأمور ساخت. (۲۹)

در سوره بقره آمده است (۳۰) که وقتی بنی اسرائیل برای تصرف فلسطین به جنگ با جالوت و سپاهیاناش رفتند، همگی خود را در برابر دشمن باختند.

۳۹۷

- ۲۷- بی آزار شیرازی، عبدالکریم مترجم، مناسک حج امام خمینی، ص ۸۷. نشر فرهنگ اسلامی تهران.
- ۲۸- زید بن حارثه همان فرزند خوانده ی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بود که در جنگ موته در اردن به شهادت رسید.
- ۲۹- محمد حسین هیکل، زندگانی محمد (صلی الله علیه و آله وسلم)، ص ۶۸۰.





در میان آنان تنها جوانی کم سن و سال (داوود) که جز سنگپران (فلاخن) معمولی هیچ سلاحی نداشت به میدان و به مقابله با جالوت رفت. مردی که بسیار قوی هیکل و دارای همه گونه اسلحه، شمشیر و رزیده بود. همه در تعجب بودند و او را بسیار ناتوان و مرگش را حتمی می دانستند. اما آن جوان دست خود را به کیسه اش برد و سنگی برداشت و در فلاخن گذاشت و به پیشانی جالوت پرتاب کرد. سنگ در پیشانی جالوت فرو رفت و آن چنان ضربه کاری بود که جالوت ناگهان بر زمین غلتید.

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز از میان مسلمانان جوان دلاوری بنام اسامه بن زید را به فرماندهی برگزید و به او سفارش کرد که سپاه را در نزدیکی موته (دهکده ای در ناحیه ی مرزی شام)، همان جا که پدرش در جنگ موته کشته شده بود، به مرزهای بلقا (۲۱) و داروم که در سرزمین موعود است، داخل کند و سحرگاهان بر دشمنان خدا هجوم برد. اسامه با سپاهیانش در اردوگاه (جرف) که نزدیک مدینه بود فرود آمدند تا وسایل سفر را فراهم آورند و آنگاه به طرف سرزمین موعود حرکت کنند؛ در این هنگام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بیمار شد و با انتشار خبر بیماری پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سپاهیان از حرکت به سوی شام باز ایستادند و بسیاری از آنها به مدینه بازگشتند.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از تأخیر حرکت سپاه اسامه نگران و ناراحت شد؛ شاید بیم آن داشت که بنی اسماعیل نیز مانند بنی اسرائیل در اثر تعلل از رفتن به جبهه مورد غضب خدا قرار گیرند و چهل سال از سرزمین موعود محروم گردند.

از این رو در آخرین پیام خود به مسلمانان فرمود: «من از تأخیر سپاه اسامه سخت نگران و ناراحتم.

من از شما می خواهم تا همچون بنی اسرائیل به خطا نروید و دین و دنیای خود را تباه مسازید. همیشه به هم نزدیک و با هم متحد باشید. بعد از وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سپاه اسامه به سوی

۳۰ - بقره - ۲۴۹.

۲۱ - بلقا اسم عربی برای نیمه جنوبی از شرق اردن یکی از شهرهای فلسطین بود که تقریباً همان منطقه ی «پیریا» در نقشه فلسطین قدیم است. (دائرة المعارف الاسلامیه ج ۴ صص ۱۰۶ و ۱۰۷)



فلسطین حرکت کرد و هنوز ۲۰ روز از حرکت سپاه نگذشته بود که مسلمانان به شهر بلقا واقع در فلسطین اشغالی هجوم بردند و اسامه انتقام مسلمانان و پدر خود را که در موته کشته شده بود، گرفت و با پیروزی به مدینه بازگشتند.

آنگاه مردم دریافتند که انتخاب اسامه توسط پیامبر، انتخابی کاملاً بجا و به مورد بوده و این پیروزی و حمله برقی آسای سپاهیان اسامه، گامی اساسی در راه فتح شام و فلسطین و بیت المقدس بود؛ از این رو مسلمانان آن چنان در برابر امپراطور روم شرقی جرأت و جسارت یافتند که چندین سپاه به جانب حمص در سوریه و شام و فلسطین فرستادند، و با قدرت و رشادت فراوان، این شهرها را یکی پس از دیگری فتح کردند، و سپاه مسلمانان پس از فتح حمص و بعلبک راهی شهر بیت المقدس شد و سرانجام در سال ۱۵ هجری، قدس رسماً به تسلط مسلمانان درآمد و نام این شهر از ایلیاء به بیت المقدس دگرگونی یافت و از آن زمان کلید اقتدار و خلافت و وراثت سرزمین موعود از دست بنی اسرائیل ذریه ظالم حضرت ابراهیم به دست بنی اسماعیل یعنی مسلمانان ذریه صالح حضرت ابراهیم افتاد و توسط آنان اداره شد. تقدیر چنین بود که محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) مانند موسی (علیه السلام) در حیات خود شاهد تصرف سرزمین موعود بدست امت خود نباشد. اما متأسفانه در اثر دور شدن سران کشورهای اسلامی از تعالیم قرآن و خروج از ولایت الهی و پیامبر و ائمه و درآمدن تحت ولایت یهود و نصاری بخش مهمی از سرزمین موعود یعنی سرزمین قدس را از دست دادند. به امید آن روز که بار دیگر سپاهیان محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) این سرزمین مقدس را از چنگال صهیونیست غاصب و ظالم رها سازند، و ذریه صالح و پیروان ابراهیم (علیه السلام) طبق وعده الهی وارث سرزمین قدس گشته و مجد و عظمت و شکوه خود را در جهان باز یابند.

ان شاء الله

